

نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر محترم آموزش و پرورش

قال رسول اله (ص): سباب المؤمن فسوق و قتاله كفر ..

پیغمبر (ص) فرمود: دشنامگویی به مؤمن نابکاری (بی‌ایمانی) است و جنگیدن با او کفر است ...

(اصول کافی جلد سوم کتاب الکفر والایمان)

جناب آقای علی اکبر پرورش

وزیر محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم، مدتی است در مراسم دعای صبحگاهی و نمازهای ظهر و عصر و به مناسبت‌های مختلف در برخی از مدارس تهران و شهرستان‌ها، جوانان و نوجوانان دانش‌آموز را وادار به سب و لعن مؤمنین و دادن شعارهای ناحق و آکنده از تهمت و افترا علیه آقای مهندس بازرگان و بعضی همفکران ایشان می‌نمایند که در مواردی با اعتراض دانش‌آموزان و یا اولیاء آنان روبرو شده است. این عمل، آن هم در محیط آموزش و پرورش که انتظار می‌رفت بعد از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی مرکز و محور مبارزه با ارزش‌های دوران جاهلیت شاهنشاهی و کانون آموزش ارزش‌های والای اسلامی باشد، تخلف آشکار از موازین شرعی و تجاوز از اصول مصرحه در قانون اساسی است.

چنین روش‌هایی هیچگونه جایی و راهی در اسلام ناب و اصیل ندارد.

هرگز خداوند در قرآن مجید چنین رخصتی به مؤمنین نداده است و هرگز در دوره رهبری رسول الله (ص) و یا در دوران خلافت امام علی (ع) چنین روش‌های عادی و جاری در انقلاب‌های غیر الهی معمول و مجاز نبوده است. آنچه تاریخ به ما نشان می‌دهد آن است که در دوران خلافت پنجساله مولای متقیان علی (ع) هرگز اجازه داده نشد که پیروان آن حضرت در نمازهای جمعه، در مسجد کوفه و یا در جای دیگر مؤمنین را که سهل است حتی دشمن را سب و لعن کنند. برعکس در نهج‌البلاغه ما می‌خوانیم که علی (ع) با اصرار و تأکید بر اسلام ناب به پیروان خود توصیه می‌کند که من دوست ندارم شما از سب‌ابین باشید.^۱

تاریخ به ما می‌گوید که برخلاف روش‌های الهی امیرالمؤمنین علی (ع)، در قلمرو حکومت معاویه اصرار و تأکید بر آن می‌شد که مؤمنی چون علی (ع) را با آن همه سوابق در خدمت به اسلام و جهاد در رکاب رسول اکرم (ص) سب و لعن کنند و این حکومت معاویه بود که با جوسازی‌ها و دروغ‌پردازی‌ها و تهمت و افترا بر مؤمنین آنچنان امر را حتی بر مسلمانان ساده‌اندیش مشتبه ساخت که وقتی حضرت علی (ع) در محراب با شمشیر یکی از خوارج، که خود قربانی آن جوسازی‌ها و محصول سیاسی کاری‌های معاویه بود ضربه خورده و به شهادت می‌رسد، همان مردم ناآگاه و جو زده و سب و لعن‌نندگان علی (ع) با تعجب می‌پرسند مگر علی (ع) هم نماز می‌خواند؟!

۱ من دوست ندارم شما از دشنام دهندگان باشید. (خطبه ۱۹۷ نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام)

جناب آقای وزیر:

آنچه در قلمرو آموزش و پرورش رخ می‌دهد قانوناً و شرعاً شما مسئول آن هستید، مسئول در پیشگاه ملت و مسئول در پیشگاه خدا. روزی از شما سؤال خواهد شد که شما به چه مجوزی و با کدام معیار اسلامی اجازه دادید که در محیط تربیت جوانان و نوجوانان مملکت، چنین اعمال منکری صورت گیرد و شما هم ناظر و با سکوت خود عملاً تأیید کننده آن باشید.

فرض کنیم که جوسازی‌های سیاسی موجود علیه امثال آقای مهندس بازرگان یا اشخاص دیگری که بعداً در برنامه قرار گیرند آنچنان باشد که شما نیازی به پاسخگویی به مردم را احساس نکنید اما شما که معتقد به خدا و قیامت هستید جواب خدا را چه خواهید داد؟

در جمهوری اسلامی هدف از تعلیم و تربیت فراهم ساختن مقدمات حرکت و هدایت آدمی در صراط مستقیم خدمت و محبت به انسان و جهان و پرستش پروردگار سبحان و تسهیل معراج او به کمال انسانی است و از این رو تعلیم و تربیت در ادامه و امتداد رسالت پیامبران می‌باشد!

مؤسسات وابسته به آموزش و پرورش، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها بایستی جایگاه تزکیه و تربیت نسل جدید اسلامی و نوعدوستی و رحمت و آزادگی باشد. ستون اصلی انقلاب فرهنگی، به معنای واقعی آن یعنی تزکیه نفوس بایستی در مدارس صورت گیرد. زدودن رسوبات فرهنگ جاهلی دوران طاغوت و استبداد شاهنشاهی، تعصبات گروه گرایانه سیاسی و تقدم مصلحت حکمرانان بر مصالح ملت و مملکت از اذهان جوانان، آموزش استقلال فکر و اندیشه و شخصیت و شکل‌گیری ارزش‌های والای توحیدی، بازگشت به فطرت خداگونه انسان، همه باید در محیط‌های آموزش و پرورش صورت گیرد. حال آیا برآستی تصور می‌کنید روش‌های تخریبی تفرقه و تلقین نفرت و دشمنی، سب و لعن، دروغ و افترا به مؤمنین و وادار ساختن جوانان و نوجوانان معصوم و بی‌خبر به چنین منکراتی می‌تواند موجب تزکیه نفس و رشد مکارم اخلاق و زدودن تعصبات جاهلانه مرسوم در فرهنگ‌های غیر توحیدی شاهنشاهی و یا الحادی و مارکسیستی گردد و یا موجب رشد شخصیت جوانان و تقویت تعهد آنان به اسلام و ایران شود؟

جناب آقای پرورش!

خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَاتَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...

(کسانی را که مردم را به غیر خدا دعوت می‌کنند سب نکنید) - سوره انعام/۱۰۸

اما در آموزش و پرورش زیر نظر و کنترل شما و دوستانتان، جوانان و نوجوانان را وادار می‌سازند به مؤمنین به خدا و کسانی که سال‌های دراز عمرشان را در داخل و خارج مملکت به ارشاد جوانان و معرفی اسلام اصیل به آنان صرف کرده‌اند سب و لعن کنند و تهمت و دروغ و افترا به آنان امر رایج و نردبان ترقی شده است.

مسئله این نیست که چرا به خادمین اسلام و ایران اینچنین بی‌محابا و بدور از کمترین تقوای اسلامی زشت‌ترین نسبت‌ها را می‌دهند و در دعاهای صبحگاهی و شعارهای روزانه آنان را سب و لعن می‌کنند! نه مسئله برخوردهای غیر اسلامی و روش‌های جاهلیت شرک‌آلود و کفرآمیز ترس و یا نگرانی ندارند. برادران نهضت آزادی افراد جدیدالاسلامی نیستند که خواسته باشند به بهانه انقلاب و به عنوان اسلام

عقد‌های انتقامشان را ارضا نمایند. اینها در اعتقاد و اجرای اسلام از زمان و مکانی راه افتاده‌اند که قیام به نماز و حجاب و قرآن، استقبال از استهزاء و اخراج و انزوا بود، مسجد و جمعه و قرآن، خانه‌ها و نهادهایی است که قبلاً خاموش و خلوت بود و نهضتی‌ها از زمان رضاخان، بعد از شهریور ۱۳۲۰، در دوران نهضت ملی شدن نفت، بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و در مبارزات نهضت مقاومت ملی و در خود نهضت آزادی و در مدرسه و مسجد و اداره و زندان و تبعید و آوارگی، در داخل و خارج کشور با همکاری شخصیت‌های علمی چون طالقانی و مطهری و استاد شریعتی و سردار رشید اسلام دکتر چمران، جوانان مملکت را به سوی ارزش‌های والای اسلامی سوق دادند. همین‌ها بودند که از چهل سال پیش به این طرف با استدلال و اصرار منادی تبعیت و الهام سیاست از دین بوده و تدوین‌کنندگان جهان‌بینی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر قرآن گشتند و مؤسس حزب سیاسی منبعث و مجری اسلام شدند و به همین دلیل هم از همان آغاز حرکت انواع اقسام تهمت‌ها، دروغ‌ها و افتراءات علیه اینان از چپ و راست آغاز شده و ادامه یافت. آنروزی که اولین نمازخانه در دانشکده فنی بر روی دانشجویان مسلمان گشوده شد انجمن‌های اسلامی دانشجویان پایه‌ریزی گردید، و اولین سخنرانی‌های مذهبی در معرفی اسلام اصیل و پاک شده از خرافات اعصار، به دانشجویان و جوانان روشن‌ضمیر آغاز گردید. دشمنان اسلام چه آنها که متولیان قدرت‌های سیاسی و اجتماعی بودند و چه حزب توده و گروه‌های مارکسیستی که رشد جریان اسلامی منبعث از دانشگاه را به نفع خود نمی‌دیدند علیه نهضتی‌ها بسیج شدند و انواع تهمت‌ها را بر ما وارد ساختند. حزب توده که در شکل دادن به افکار جوانان ما یکه تاز میدان و از استقبال جوانان و دانشجویان به اسلام راستین نگران و ناراحت بود در نشریات وابسته به خود ما را پان اسلامیت‌های وابسته به سفارت آمریکا معرفی کرده و راست‌گرایان غرب‌زده محصول دوران بیست ساله استبداد رضاخان همراه با مرتجعینی که دین را دکان خود ساخته بودند، ما را بناحق علم‌زده و غرب‌زده‌گانی که می‌خواهیم «سیاست» را به مساجد ببریم معرفی کردند و مرحوم طالقانی را «آخوند سیاسی» و مهندس بازرگان را علم‌زده و ملا مهندس که باید منزوی شوند قلمداد نمودند. بعدها نیز که حرکت فکری شریعتی اعماق روح نسل جوان تشنه حقیقت جامعه ما را متأثر ساخت و اثرات شگرفش ظاهر شد از همه طرف مورد حمله و هجوم انواع تهمت‌ها قرار گرفت و کمتر فحش و تهمتی بود که از جانب وعاظ‌السلطین و یا به تعبیر امام «آخوندهای درباری» که دعاگویان و پاسداران نظام شاهنشاهی بودند نثار این متفکر بزرگ اسلامی نگردد. آن تهمت‌ها و حملات با همه ناجوانمردی‌ها و حق‌کشی‌هایی که همه ناظر آن بوده‌ایم چندان غیر منتظره و تأسف‌آور نبود. اگر آن روزها گروه‌های وابسته به چپ‌ها و یا راست، همسو و هم‌جهت شده و بر جریان اسلامی منبعث از دانشگاه و نهضتی‌ها چنان اتهاماتی را وارد می‌ساختند تأسف‌آور نبود زیرا جز آن انتظاری نمی‌رفت اما با نهایت تأسف امروز جامعه اسلامی ما شاهد این است که در برخی مدارس و نهادهای وابسته به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی چنین منکراتی به نام «اسلام» و زیر پوشش «مکتب» صورت می‌گیرد و وزیری که بر این مؤسسات کنترل و نظارت دارد با سکوت خود عملاً تأیید کننده این منکرات شده است؟

خداوند متعال با رحمت و اسعه خود نه تنها مؤمنین را از سب مشرکین و ماتریالیست‌ها و مارکسیست‌های ملحد و یا دنیاپرستان و متکثرین دنیاگرا منع نموده است بلکه حتی دستور فرموده آنهایی

را که از این گروه‌ها قدم از اعتقاد شخصی فراتر نهاده و به تبلیغ الحاد و شرک در میان مردم می‌پردازند سب نکنید. شگفتا در جمهوری اسلامی گروه‌های الحادی از این دستور رحمت‌آمیز الهی بهره‌مند شده آزادانه نشریات خود را چاپ و منتشر می‌نمایند و از برکت جمهوری اسلامی از تعرض مصون هستند اما پرسابقه‌ترین خدمت‌گزاران به اسلام و ایران مورد زشت‌ترین اتهامات قرار می‌گیرند؟

جناب آقای وزیر!

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با قبول و تأکید بر اسلامی بودن، تعهد بزرگی در برابر خدا و ملت ایران و مردم جهان بر عهده گرفته است. اعمال منکری که در برخی مدارس و مساجد و نمازهای جمعه علیه مؤمنین صورت می‌گیرد با معیارهای اصیل اسلامی فرسنگ‌ها فاصله داشته و نمونه‌ای آشکار از پایبند نبودن بدین تعهد است.

آموزش اسلام اصیل و تأسیس حکومت علی(ع) کجا! و شیوه سب و لعن و دروغ و تهمت و جوسازی علیه خدمتگزاران به اسلام و ایران کجا!

آیا تهمت و لعن و سب مسلمانانی که صداقت و ایمان و خدمت آنان به ایران و اسلام مورد تصدیق امام و امت بوده است می‌تواند برنامه خودسازی و تربیت سیاسی دانش‌آموزان معصوم، مشوق پشتیبانی آگاهانه و حمایت از برابری، راستی و عدالت و موجب پرورش نسلی حق‌طلب و حق‌پذیر باشد؟ آیا این گونه رفتارهای غیر اسلامی خواهد توانست باعث اعتلاء و بهبود روابط مهرآمیز و تفاهم و وحدت بین مؤمنین و مسلمانان و تشویق روحیه حق‌شناسی نسبت به خدمتگزاران به دین و مملکت و ملت گردد؟

آیا تا بحال اندیشیده‌اید که اگر گروهی موفق شوند مردم را نسبت به کسانی که سابقه مبارزات و خدمات اسلامی سالیان دراز آنها در داخل و خارج کشور بر همه آشکار است بدبین نموده و از این اشخاص هتک حرمت و حیثیت بنمایند، سرنوشت دولتمردانی که مردم ما آشنایی و اطلاعاتی از سوابق اسلامی و یا سیاسی آنها ندارند چه خواهد بود؟ اگر موفق شوند با ترور شخصیت افراد سوابق و خدمات آنها را مخدوش سازند - که هرگز نخواهند توانست - به چه دلیل مردم ما به کسانی که اسلامی و انقلابی بودنشان بعد از پیروزی انقلاب نمایان شده و تا کنون امتحان شایسته‌ای نداده‌اند اعتماد کنند؟

از ما بپذیرید که این جوسازی‌ها و این روش‌های تخریبی غیر اسلامی ولو چند صباحی قدرت سیاسی گروهی را تثبیت کند، به نفع استقرار و استمرار جمهوری اسلامی ایران نیست و نهایتاً تنها و تنها به نفع دشمنان انقلاب اسلامی ایران خواهد بود.

جناب آقای پرورش

لازم بود ما این نامه را زودتر و پیش از تعطیل مدارس برای شما می‌فرستادیم. از همان اولین روزهایی که این روش‌های تفرقه و تحریک سب و لعن مؤمنین در مدارس آغاز گردید ما مصمم بر این کار بودیم. اما در ابتدا تصور می‌کردیم که شاید برنامه خاصی در کار نباشد و این شیوه‌ها، نتیجه اعمال نظر اشخاص منحرف و مغرض که در آموزش و پرورش نفوذ کرده و یا عناصر صادق ناآگاه باشد و تصور می‌کردیم که با بودن شما در آموزش و پرورش جلوی این کارهای تخریبی و نظایر آن گرفته خواهد شد و نیازی به تذکر و اعتراض و اقدام به انجام وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود. اما ادامه و گسترش بخشنامه‌گونه این روش‌ها در مدارس، با شعارها و محتوای واحد شیوه‌های یکسان به ما

نشان داد که چنین تصویری درست نبوده است لذا بر آن شدیم ولو آن که دیر هم باشد به وظیفه توصیه به حق خود اقدام نماییم و این تذکرات را بر سبیل «فذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين» بدهیم. امیدواریم که شما به گفته ما به دیده خوشبینی نگریسته و این تذکر را به طور مقتضی به کلیه مسئولان وزارت آموزش و پرورش منتقل فرمایید. اطمینان داشته باشید که ما در این راه جز خیر و سعادت امت اسلامی چیزی نمی‌خواهیم.

توفیق جناب‌عالی را در دفاع از حق و منع باطل و خدمت به انقلاب اسلامی و ملت زجر دیده ایران از خدایتعالی مسئلت داریم.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۶۱/۳/۱۹